

# دولت به سهامداران زور می‌گوید

صفحه ۲



# وداع با آتش نشانان صبح دوشنبه

صفحه ۴

## یادداشت امروز

### کورس ناکارآمدی

محمد زعیمرزاده

«غفلت ریزگردها در هوایی که مردم خوزستان استنشاق می‌کنند ۶۶ برابر حد مجاز است» و «آبان ۹۵، ۴۱۲ نفر بر اثر آلودگی هوا جان خود را از دست داده‌اند»؛ همین ۲ گزاره کفایت می‌کند برای اینکه همه جا مشحون شود از هشنگ «فلانی باید استعفا بدهد»، «فلانی باید محاکمه شود» و «فلانی باید برود». اصلا ساده‌ترین کار هم همین است، در زد و خورد و کوبش رسانه‌ای و در لشکرکشی مجازی نخستین چیزی که به ذهن می‌رسد همین است. در هر دو حالت اضطرابی بالا مدیران مربوط چمدان سفر را بسته‌اند و به مراکش و لهستان رفته‌اند فلذا زمینه ذهنی نسبتا خوبی هم برای پذیرش این مساله می‌تواند بود اما چرا جریان انقلابی و مومن کمتر دست به چنین کارهایی می‌زند؟

اندکی تأمل بر آنچه در این چند وقت اتفاق افتاده است نشان می‌دهد پس از انتخابات سال ۸۸ و خطای سنگین جریان لیبرال در عدم پذیرش دموکراسی و رأی مردم ساخت سیاست در کشور به گونه‌ای شده است که سستیز جای خود را به رقابت داده و آنچه این وسط هیچ اهمیتی ندارد منافع ملی است. مسابقه و رقابت بر سر کارآمدی و ایجاد موازنه مثبت ملت- دولت، جای خود را به کورس ناکارآمدی و تلاش حداکثری برای استفاده از اشتباهات و کم‌کاری‌های طرف مقابل سستیز و موازنه منفی گروه‌های سیاسی داده است؛ اتفاقا جریان لیبرال و تکنوکرات در این رقابت گوی سبقت را هم از همه برده است.

جریان و تفکری که حداقل ۲۰ سال از ۲۸ سال زمامداری پس از جنگ را در قبضه خود داشته است و بسیاری از بنیان‌های مدیریتی را بنا گذاشته، بی‌رحمانه و بی‌شرمانه هیچ مسؤولیتی را نمی‌پذیرد و همه تلاشش این است که همچنان در رسانه‌های این‌ور آبی و آن‌وری آبی دوگانه وضع موجود و نقد وضع موجود را بسازد و زندانه و با شهیدبازی باز هم بشود «عماد تغییر»، یعنی در عین حال که متهم است، در جایگاه شاکي بنشیند! مدبری ۱۲ سال است مسؤول محیط‌زیست این مملکت است و به هیچ‌کجا هم پاسخگو نیست و هر وقت محل سوال واقع می‌شود کلیات ابوالباقی می‌گوید، می‌گوید باید فرهنگسازی کنیم. و... یا مدبری که سی‌و‌اندی سال است در سطح بالا و در همه حوزه‌ها مدیر بوده و سر آخر به جای پاسخگویی ملت را استهزا می‌کند یا مدبری که سال‌هاست بسیاری از پست‌ها را اشغال کرده و سر آخر در کهنسالی سفارشی این است که «مدیر از خراج وارد کنیم»، مدیرانی که از فرط بی‌انگیزگی دوست دارند در دانشگاه باشند که هم اعصاب راحت‌تری داشته باشند و هم حقوق بیشتری بگیرند! مصیبت اینجاست که این کاست مدیریتی که سال‌هاست طبقه مدیران و الیگارش‌ی دولتی را تشکیل می‌دهند و در همه دولت‌ها هم هستند نه تنها به هیچ‌جا پاسخگو نیستند بلکه تمام تلاش‌شان هم این است که همیشه نماد «تغییر وضع موجود» باشند.

تفاوت این جریان با جریان انقلابی این است که جریان انقلابی حتی اگر دل خوشی هم نسبت به این جنس مدیریت نداشته باشد اما انقلاب و نظام و کارآمدی و ناکارآمدی آن را از خود می‌داند و حتی اگر در مدیریت‌ها و ناکارآمدی‌ها نقشی هم نداشته باشد، در بحران و حادثه وسط میدان است؛ نه برای نمایش که برای کار و از خطر حذر نمی‌کند، نه اینکه اگر هم جایی برای عکس گرفتن در بحران رفت ملازمی کنارش باشد که بگوید آقای دکتر «بِنجا گازوئیل است و خطرناک». درد مردم را درد خود می‌داند از چهارراه استانبول و خیابان جمهوری تا روستاهای سرباز و خاش و ایرانشهر. جریان انقلابی دوست ندارد تنها با ناکارآمدی‌های مدیریت ۳۰ ساله این آقایان عکس یادگاری بگیرد، خانواده مدیران جریان انقلابی از ایران گریزان نیستند و زندگی در هیچ جای دنیا را به این مرز و بوم ترجیح نمی‌دهند، هیچ‌گاه مانند کسانی نیستند که در عین چسبندگی به حکومت و زر و زور و تزویر، شعار خروج از حاکمیت سر می‌دهند! همین‌هاست که به‌جای هشنگ فلان و هشنگ بهمان در فضای مجازی و...



رئیس‌جمهور آمریکا فرمان بی سابقه ممنوعیت ورود ایرانیان و اتباع ۶ کشور اسلامی دیگر به آمریکا را امضا کرد

# قفل!

برنامه‌ای با پخش زنده در پایتخت، همه استان‌ها و شهرستان‌ها و دهستان‌ها را اگر در کنار سایر تحرکات تهیه‌کننده برنامه ورزشی مورد بحث در تلاش برای همکاری با شرکتی با سابقه ارتباط با مدیران باند جاسوسی «مازی-خواجه‌پور» تحلیل کنیم، وضعیت از این هم بدتر می‌شود.

وضعیت به حدی جدی است که مجلس شورای اسلامی و مجموعه‌ای از شرکت‌ها و بانک‌ها به صورت داوطلبانه همکاری خود با این شرکت را خاتمه داده‌اند تا احیاناً از جانب رسانه‌ها و مشتریان یا دستگاه‌های امنیتی و قضایی مورد بازخواست واقع نشوند حتی قرارداد اخیر این شرکت با یک بانک نیز پس از دستگیری کلان اختلاس‌گران و برکناری مدیران فاسد، مورد بازنگری قرار گرفته، چرا که مشکوک به زد و بند و با ترک شرایط مناقصه ارزیابی شده است.

در چنین شرایطی که سهام شرکت با حمایت برخی عوامل معلوم، در بورس ارائه شده و به علت حاشیه‌های امنیتی به مشکل برخورد، تهیه‌کننده برنامه صدواسیما به کمک شرکای سابق باند نمازی شناخته و در ازای هر پیامک فوتبالی یک تبلیغ در پاسخ به شرکت‌کننده در برنامه فوتبالی ارسال می‌کند. آیا کمک حرفه‌ای تهیه‌کننده برنامه‌های سازمان حاکمیتی صدواسیما به شرکتی در مظان اتهام با پرونده باز در کنار تلاش برای بازیگری بدون مجوز در عرصه سیاست خارجی «طبیعی» است؟

### بحران مدیریت

به نظر می‌رسد کنترل برخی امور مهم از دست مدیران حراست و چشمان تیزبین ناظران صدواسیما خارج شده است. با این وضعیت بعید نیست فرادروز احیاناً تریبون برنامه‌ای ملی در اختیار سایر پرونده‌داران امنیتی نیز بیفتد و همچون شبکه ۴ بخش‌هایی از آن در اختیار باند نفوذی حوزه ارتباطات قرار گرفته، دایره بازی از این هم گشادتر شود! لازم به یادآوری نیست که این سکان به امانت از جانب نظام و به نیابت از ملت شهیدپرور و انقلابی ایران در اختیار شما قرار گرفته است.

### سقوط روی آنتن زنده!

دکتر زهرابطیخی

پایان نمایش اندوه برنامه ورزشی ۹۰، پازل تبلیغاتی معاندان علیه نظام را از تریبونی داخلی، تکمیل می‌کند. پرواضح است میان اعتبار و ارزش پیامی که از «صدواسیما» می‌آید و مشهور» به مخاطب عرضه می‌شود و موج شایعات تکذیب شده چند کانال معاند تابلودار و شبکه سلطنتی انگلیس تفاوت قابل تأملی وجود دارد؛ اولی «رسمی» است و دومی «غیررسمی» و «ضدملی»؛ همین رسمیت است که در عمق نفوذ کلام می‌افزاید و مخاطب را به پذیرش عملیات روانی سنگین دشمن در چند روز گذشته ترغیب می‌کند.

### ترویج ضعف نظام

موضوع بعدی بروز نمایه‌های «ضعیف» و «غیرمسسلط» بر اوضاع در میانه بروز «بحران» از مسؤولان کشور است. زمانی که از یک برنامه ورزشی در هنگامه برپایی بحران، پیامی خلاف سیاست رسمی سازمان حاکمیتی صدواسیما اعلام می‌شود مثل این می‌ماند که به جامعه ندا بدهیم «نظام از رسمیت افتاده» و حتی از توان کنترل انتقادات کارمندان زیردست خود نیز برخوردار نیست. صحبت از بحرانی است که آذنان عمومی را بشدت درگیر کرده و در چنین شرایطی «همدلی» و «یکپارچگی ملی» نقش آب بر آتش فتنه را دارد.

همین ارزش ذاتی «سیمای ملی» به عنوان نمایه رسانه‌ای پر قدرت از «برقراری و دوام حاکمیت» است که منجر می‌شود در میدان بروز بحران‌های حاکمیتی اعم از کودتا و اغتشاش و انقلاب، حمله به آن در اولویت قرار گیرد تا اگر شده تنها چند دقیقه پیامی خلاف موضع حاکمیت برقرار، از رسانه ملی پخش شود. به یاد بیاوریم که کودتای چند ماه قبل ترکیه چگونه با فتح چند دقیقه‌ای تلویزیون دولتی

### روزنه

در چند روز اخیر شاهد بروز موجی از واکنش‌ها به نمایش سیاسی مجری برنامه ورزشی شبکه ۳ سیما در حیوچه بروز بحران ریزش ساختمان پلاسکو و از دست رفتن جمعی از آتش‌نشان‌های ایثارگر و هموطنان‌مان بودیم. شاید علت سنگین آمدن موج‌سواری مجری مذکور روی آنتن زنده صدواسیما برای خبگان و فعالان اجتماعی این بود که دقیقاً کمی پیش از افشاح برنامه ۹۰، بزرگان و حامیان گروه‌های مختلف سیاسی در فضای سیاست و پشت‌بند آن در شبکه‌های اجتماعی به این نتیجه رسیده بودند که انتقامجویی سیاسی، تحریک و تشویق آذنان عمومی را می‌توان به زمانی مناسب‌تر از دوره مواجهه با شوک ناشی از وقوع بحران و ناپیدایی سرانجام حادثه موکول کرد. البته معاندان از لندن و لس‌آنجلس همچون گذشته تلاش برای ماهیگیری از عزا و عروسی ایرانیان را در دستور کار داشتند و از دمیدن در آتش فتنه لذت می‌بردند اما وضعیت در شبکه‌های اجتماعی میان چپ‌ها و راستی‌ها، «آتش‌بس نسبی» بود و همه گروه‌ها بر سر موضوع مهم «بزرگداشت ققنوس‌های شهید» و سوگواری ملی تا هنگامه پایان بحران مقفودان و به خاکسپاری پیکرهای عزیزان ملت، به تفاهم رسیده بودند.

در چنین شرایطی بود که در کشاکش تلاش شبانه‌روزی گزارشگران و برنامه‌سازان و خبرنگاران صدواسیما برای ارائه اطلاعات دقیق به جامعه ایرانی و کمک به تخلیه انرژی منفی ملت دادگار، یک مجری ورزشی ناباورانه در برنامه «میلی» خود تلویحا چنین نتیجه گرفت که وضع ایران از همه کشورهای جهان بدتر است، چون پس از وقوع حادثه آتش‌سوزی در مجتمع تجاری ۵۰ ساله «پلاسکو» سیلی از استعفا به راه نیفتاده است!

### نفرت‌افزایی ملی!

نخستین پیام القایی این جملات به مخاطب عام، تلقین «نفرت» از حاکمیت اعم از دولت، قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی، دستگاه‌ها و سازمان‌های ملی است، چرا که قیاس به کار رفته در

## تیتروم

گرد و خاک غیر قابل تحمل  
آب و برق اهواز را هم قطع کرد

# خااااکی



## خبر

### تجلیل از آتش‌نشانان شهید در افتتاحیه جشنواره فیلم فجر

مراسم افتتاحیه سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر با حضور جمع کثیری از هنرمندان برگزار شد. به گزارش «وطن‌امروز»، مراسم افتتاحیه سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر دیدب با حضور سیدرضا صالحی‌امیری (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، محمد حیدری (دبیر سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر)، حجت‌الله ایوبی (رئیس سازمان سینمایی) و جمع کثیری از هنرمندان در مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار شد. احسان کرمی که اجرای این افتتاحیه را بر عهده داشت، با یاد کاظم افرندنیا که روز گذشته دارفانی را وداع گفت و همچنین شهدای آتش‌نشان اجرای این مراسم را آغاز کرد. در ادامه این مراسم ویدئویی از پشت صحنه مقدمات برگزاری جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. همچنین حجت‌الله ایوبی، صالحی‌امیری و مازنی روی صحنه آمدند و از مادر شهید کنعانی تجلیل به عمل آوردند. سپس امیر مهدیان یکی از آتش‌نشانان مصدوم حادثه پلاسکو روی صحنه آمد و به نمایندگی از آتش‌نشانان عملیات پلاسکو تقدیر شد. مهدیان در این مراسم گفت: صحنه‌هایی که من در این حادثه دیدم و گل‌هایی که پرپر شدند، بسیار سخت بود. من از همه عزیزانی که برای آتش‌نشانان گل آوردند تشکر می‌کنم. اگر این عزیزان آتش‌نشان نبودند این ساختمان یک ساعت هم دوام نمی‌آورد ولی این شهیدان با خون‌شان ۳ ساعت این ساختمان را سرپا نگه داشتند. سپس مجید مظفری و همایون ارشادی روی صحنه آمدند و از محمد کاسبی تجلیل به عمل آوردند. محمد حیدری، دبیر سی‌وپنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر هم گفت: با نام و یاد خدا و به یاد آتش‌نشانان و مرزبانان شهیدمان جشنواره این دوره را آغاز می‌کنیم. وی ضمن تبریک سال نوی سینما افزود: امیدوارم سال جدید سینمای ایران سال پربرکتی باشد. در ادامه این مراسم ویدئویی درباره رشادت آتش‌نشانان و مرزبانان شهید پخش شد. سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر از امروز با نمایش فیلم‌های مستند، چشم‌انداز سینمای ایران و سواد سیمرخ آغاز به کار می‌کند.



www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

@vatanemrooz